

پُستخانه

(خانم بشیر و بچه هایش از لباس شونی خارج و پس از چند ثانیه سوار ماشین می شوند.)

راننده : خانم بفرمائید گجا می خواهید تشریف ببرید ؟

خانم بشیر : می خواستم مستقیماً به خانه بروم ولی یادم آمد که در پُستخانه هم کار دارم. فردا کارهای زیاد در پیش دارم و فرصت نمی کنم این طرف ها بیایم. بهتر است این کار را هم حالا انجام بدهم ، از اینجا دست راست بپیچید.

پروین : مادر جان ! فکر نمی کنم که این موقع شب پُستخانه باز باشد.

طاهر : پروین جان ! باید بدانید که پُستخانه مرکزی تا شب هم باز است.

ماشین وارد محوطه پُستخانه مرکزی می شود ، راننده ، موتور ماشین را خاموش می کند و خانم بشیر پیاده می شود.

خانم بشیر : پروین جان ! شما همین جا باشید و طاهر جان ، شما همراه من بیایید.

طاهر : (در حال پیاده شدن) چشم ! مادر جان ، بفرمائید اول به اطلاعات مراجعه کنیم.

خانم بشیر : ببخشید آقا ! ممکن است راهنمایی بفرمائید که باجه فروش تمیر و باجه نامه ها و بسته های سفارشی گجا است ؟ در ضمن اینهم بفرمائید ، اگر بخواهیم نامه به ایران بفرستیم چقدر تمیر لازم دارد ؟

کارمند اطلاعات : خانم تشریف ببرید دست راست. باجه تمیر در انتهای این راهرو قرار دارد و باجه نامه ها و بسته های سفارشی در داخل تالار است. بفرمائید به گیشه شماره چهار. اگر بخواهید نامه با پُست زمینی یا با پُست هوایی به ایران بفرستید تمیر سه روپیه بزنید.

خانم بشیر : برای این راهنمایی خیلی متشکرم.

کارمند اطلاعات : این وظیفه من بود. احتیاج به تشکر نیست.

خانم بشیر : (به تمبر فروش) آقا شش تا کارت پُستال دوسره ، شش پاکت برای پُست داخلی ، ده تا تمبر یک روپیه ای ، ده تا تمبر دو روپیه ای و ده تا تمبر سه روپیه ای لطف بفرمائید.

طاهر : لطفاً یک نامه هوایی هم بدهید.

تمبر فروش : چشم (خانم بشیر اکنون رو بروی گیشه چهار می رسد)

کارمند پُستخانه : بفرمائید خانم ، از من چه خدمتی بر می آید ؟

خانم بشیر : آقا می خواهم این نامه را سفارشی بفرستم.

(کارمند پُستخانه نامه را از دست خانم بشیر می گیرد)

کارمند پُستخانه : ببخشید خانم ، شما نام و آدرس گیرنده را که نوشتید ولی فراموش کردید که نام و آدرس فرستنده را مرقوم بفرمائید. ما بدون نام و نشانی فرستنده نامه سفارشی را قبول نمی کنیم.

خانم بشیر : اجازه بفرمائید نام و نشانی خودم را بنویسم.

(بعد از چند ثانیه)

کارمند پُستخانه : (روی قبض مُهر می زند و می گوید) بفرمائید این هم قبض.

خانم بشیر : آقا لطفاً این پاکت را بکشید. می خواهم ببینم که سنگین تر از نامه های معمولی که نیست.

کارمند پُستخانه : بله خانم. یک کمی سنگین تر است، لطفاً یک روپیه تمبر اضافه بزنید.

خانم بشیر : آقا خیلی متشکرم.

طاہر : مادر جان ! من یک نامہ شہری دارم۔ اجازہ بفرمائید آن را پُست کنم۔
پس از آنکہ طاہر نامہ را بہ صندوق پُست انداخت ، مادر و پسر بہ طرف ماشین بہ
راہ افتادند۔

(دکتر آفتاب اصغر)

فرہنگ

دقیقہ : منٹ

پُستخانہ : ڈاکخانہ

مخارج : اخراجات

محوطہ : احاطہ

باجہ : کھڑکی

راہرو : برآمدہ

بہ اندازہ : کے مطابق

بزنیید : لگائیں

دستِ راست بیپیچید : دائیں طرف مڑیں

نامہ شہری : مقامی خط

کارتِ پُستال دوسرہ : واپسی پوسٹ کارڈ

موتور ماشین را خاموش می کنند : گاڑی کے انجن کو بند کرتا ہے

نامہ ها و بسته های سفارشی : رجسٹری، خط و پارسل

پُستخانہ مرکزی : بڑا ڈاکخانہ (جزل پوسٹ آفس)

فرصت نمی کنم : مجھے موقع نہیں ملے گا

سنگین تر : زیادہ بھاری

پُست کنم : پوسٹ کروں